

نقش و جایگاه زن در منظومه هستی و اعتلای جامعه

(بررسی موضوعی از دیدگاه قرآن و روایات و نگاه اندیشمندان مسلمان)

(بخش ب- حقوق مدنی و اجتماعی)

قدسیه سادات هاشمی دولابی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ورامین-پیشوا hashemigh@iau.ir

عباس رجائی

مدیرعامل بنیاد علمی، فرهنگی و اجتماعی شهدای رجانی barajaei39@gmail.com

چکیده

خداوند در خلقت انسان، زن و مرد را همسان خلق نمود تا با اختیار خود به سعادت و کمال برسند و رسیدن به کمال نیز در دو عرصه فردی و اجتماعی رقم می خورد. خداوند با ترسیم نقش زن، او را هم تراز مردان قرار داده است و برای آنان تکالیفی در نظر داشته است که بعضاً آن تکالیف را برای مردان نیز فرض نموده است. خداوند متعال، زنان مؤمن را هم رتبه با مردان مؤمن قرار داده است که نشان دهد وظیفه احیای دین وظیفه همه انسانهاست، و این وظیفه اخلاقی را به عهده زن و مرد مؤمن قرار داده است، و این یعنی حضور در رأس مسائل جامعه و ابراز وجود کردن در اجتماع انسانی برای کنترل نمودن و به سلامت رساندن چرخه نظام زندگی مردم بر اساس دین الهی. در قرآن دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی از زن و مرد باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و از بدی ها باز دارند.

قرآن کریم به عظمت از جایگاه علم و تعلیم و تعلم یاد کرده و برای آنان که از این نعمت برخوردار هستند جایگاهی رفیع در دنیا و آخرت قرار داده است و در این زمینه آنچه محور است شخص انسان است و هیچ فرقی میان زن و مرد برای دانش اندوزی قرار نداده است. بلکه تعلیم و تعلم را بر همگان، فارغ از جنسیت، واجب دانسته است. به همین دلایل و فروض دیگر، در دیدگاه اندیشمندان مسلمان به ویژه اندیشمندان عصر اخیر، به زن به عنوان یک انسان والای تمدن ساز و تربیت کننده نسل فرهیخته نگاه شده است. این نوع نگاه به زنان تا آنجا مرتقی می گردد که صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه دانسته می شود و زن تا آنجایی اوج می گیرد که مظهر تحقق آمال بشر می گردد.

در این مقاله، سعی بر آن است که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بهره گیری از آیات قرآن و روایات، نگاه اندیشمندان مسلمان را در خصوص جایگاه زن در منظومه و هندسه نظام آفرینش و نقش آنان در تعالی جامعه را بررسی نمائیم.

کلیدواژگان: زن، حقوق مدنی، حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، نفقه، تعالی جامعه



ICPSE
2025

۱- مقدمه

انسان همواره در تلاش بوده تا هم با تعقل و تجربه و هم با نگرش به ادیان و کتب آسمانی شأن وجودی و حقوقی خویش را باز نماید. سعادت یا شقاوت آدمی در متن زندگی و روابط او با دیگران رقم می خورد تا آنگونه که هست و آنچه از او انتظار می رود زندگی خود را ترسیم نموده کیفیت آن را از منظر حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی خود و دیگران تنظیم نماید. از این رو، بر کسی پوشیده نیست که در این روند زن و مرد در یک رتبه قرار دارند.

بررسی و تحقیق در مورد شخصیت زن آنقدر اهمیت و ضرورت دارد که امروزه در جوامع پیشرفته نیز چنین تردید و پرسشی هست که آیا حقوق اجتماعی زن و مرد همانند و مشابه است؟ آیا خلقت و طبیعت وجودی زن و مرد که یک سلسله حقوق و ارزشها را به دنبال خود دارد، برای هر دو مساوی است و جنسیت در آن نقشی ایفا نمی کند؟ در دوران گذشته در اکثر ملل دنیا، حقوقی برای زن در نظر گرفته نمی شد؛ هر چند این موضوع در آن روزگاران نیز شدت و ضعف داشته است اما آنچه قدر مشترک میان آن ملل بوده، آن است که زن را موجودی طفیلی می دانستند. هرچند در آن دوران انسان بودن زن مورد تردید بود و یا اصلاً به فراموشی سپرده شده بود اما متأسفانه در جهان امروز به نحوی دیگر زنان را از حقوق انسانی و اجتماعی خویش محروم می نمایند و رسالتش، استعدادهایش، توانمندی هایش و نادیده انگاشته می شود.

هرگاه از اختلافات فطری و طبیعی زن و مرد در نظام آفرینش سخن گفته می شود، گروهی آن را به عنوان نقص زن و کمال مرد و چیزی که موجب برخورداری مرد از یک سلسله حقوق و محرومیت زن از آن حقوق، تلقی می کنند. غافل از اینکه دستگاه آفرینش که خالق آن خود را «احسن الخالقین» معرفی نموده هیچگاه نخواسته یکی را کامل و دیگری را ناقص خلق کند. اگر به قرآن به عنوان کامل ترین کتاب ادیان الهی مراجعه کنیم، مشاهده می گردد که در متن قرآن، خلقت اولین زن، همچون و همزمان خلقت اولین مرد توصیف شده است. در بیشتر آیات قرآنی، زنان و مردان با هم برابر تلقی شده اند و دارای وظایف دینی مشترکی هستند. قرآن زن و شوهر را لباس، یاور و جفت یکدیگر لقب داده است. قرآن زن و مرد را در آفرینش از جوهر (نفس) واحدی معرفی کرده و فضیلت به جنسیت یا نژاد را نفی کرده است. انسان نمونه، در واقع، نمونه ای در میان همه انسان ها است و اختصاص به زن و مرد ندارد. اسلام می گوید که زن مانند مرد، انسان است و هر انسانی، چه مرد و چه زن، فردی است که در ماده و عنصر پیدایش او دو نفر (نر و ماده) شرکت و دخالت داشته اند. هیچ یک از این دو، بر دیگری برتری ندارد.

بر اساس آموزه های قرآن، زنان همچون مردان موظف به انجام وظایف شرعی هستند و همچون آنان به بهشت یا جهنم می روند. در قرآن، سرنوشت زنان در آخرت، به شوهرانشان مرتبط شده است. آنطور که در قرآن آمده است، زن و مرد از جهت حیثیت انسانی و قابلیت کسب فضایل اخلاقی و پاداش های اخروی، برابرند و در پاره ای از حقوق، تفاوت هایی بین آنها بیان شده است.

در این مقاله بنا بر این است که به برخی ویژگی ها و ابعاد وجودی و حقوقی زنان از منظر حقوق مدنی و اجتماعی بر اساس آموزه های قرآنی و روایی و نظریات اندیشمندان متأخر به روش توصیفی و تحلیلی پرداخته شود.

۲- زن در ماهیت خلقت و جنسیت



انسان ها چه زن و چه مرد از آن جهت که از نظر نوعیت انسانند، یک وظیفه مشترک انسانی دارند و از جهت جنسیت که هر کدام جنس خاصی از انسان هستند؛ وظایف خاص مربوط به خودشان را به عهده دارند. از آنجایی در یک جامعه انسانی جنس زن و جنس مرد وجود دارد، لازم است برای پایداری جامعه انسانی، هر جنس بنا بر طبیعت تکوینی و فطرت درونی خود، مسئولیت ها و وظایف خود را به عهده گرفته و به ایفای آن پردازد. مبنای حقوق انسانی، بر فطرت آدمی استوار است و برای قضاوت صحیح در خصوص وظایف و مسئولیت ها باید موقعیت طبیعی و اجتماعی هر جنس را در نظر گرفته و بررسی کنیم که دست طبیعت و فطرت (یا به تعبیر دینی، دست قدرت و حکمت الهی) چه امتیازاتی را به ایشان اعطاء کرده و چه ارزشی را برای آنان قائل شده است. بهترین راهی که می تواند تکلیف یا حقوق یک موجود زنده را تعیین کند، بررسی مواهب فطری اوست، بنابراین، منطقی قوی تر از منطق فطرت وجود نخواهد داشت. اساساً منطق قرآن کریم به عنوان کامل ترین کتاب آسمانی این است که پایه قانون باید روی فطرت استوار باشد و نمی توان این قانونمندی را از هیچ فردی از افراد بشر سلب کرد، مانند استقلال شخصیت، آزادی فکر و اراده، اصل مالکیت، مساوات در برابر قانون، دفاع از حقوق مشروع و نظایر آنها و لذا براساس شواهد قرآنی، عقلی و قلبی، در اساس موضوع تکامل، ذکورت و انوئت اصلاً راه ندارد. ملاک نظام ارزشی اسلام غیر از معیارهای مکتب های دیگر است. در اسلام تعبد هست و این تعبد، مایه تقرب است و هر کس بنده تر باشد، مقرب تر است. (جوادی آملی/ (۱۳۶۹ش) / ص ۲۹۴، ۳۸۳ و ۳۸۴).

اساساً در هر جای قرآن که واژه هایی مانند «یاایهاالانسان»، «یاایهاالذین آمنوا» آمده است، اشاره به نوعیت انسان و نه جنسیت آن است و می توان نتیجه گرفت که زن و مرد در پیشگاه خداوند متعال از نگاه نوعیت، جایگاه یکسانی دارند اما از نظر جنسیت و به لحاظ شرایط فیزیکی دارای تفاوت هایی برای کارکردهای متفاوت هستند که این تفاوت ها در راستای تکامل نوع بشر و نیازهای آنان و تداوم چرخه حیات آن می باشد. بنابراین در نگاه اسلام، وقتی در ماهیت و نوعیت انسان اعم از مرد یا زن صحبت می شود، به طور کلی جنسیت نادیده گرفته می شود. چراکه در این قسم از بحث، صحبت از زن و مرد نیست، بلکه مسئله ای به نام نوعیت و کرامت انسان طرح می شود. از نظر قرآن کریم، همه حکما و فلاسفه و روانشناسان، از جهت فیزیک جسمی و همچنین امور روانی بین زن و مرد و دختر و پسر تفاوت هایی هست. این تفاوت ها باعث می شود که نحوه برخورد ما با زن و مرد در مواردی متفاوت باشد و تکالیف و وظایفشان هم در مواردی فرق کند. تفاوت در برخی احکام ربطی به ارزش انسانی ندارد. مرحوم طبرسی در مجمع البیان در این رابطه می گوید: «همان طور که برای مرد حقوقی بر عهده زنان گزارده شده، زنان نیز حقوقی بر مردان دارند که آنها موظف به رعایت آنند، زیرا در اسلام هرگز حق یک طرفه نیست و همیشه به صورت متقابل می باشد.» (مکارم شیرازی/ (۱۳۸۲ش) / ج ۲ و ۳ / ص ۱۵۷-۱۵۶؛ طبرسی/ (۱۳۳۸ش) / ج ۱ / ص ۳۲۷).

زن و مرد در حقوق خانوادگی یکسانند اما در وظایف خانوادگی یکسان نیستند. هر کدام یک نوع وظیفه ای دارند. امکانات، ظرفیتهای جسمی، ظرفیتهای روحی، به هر کدام یک وظیفه ای را محوّل میکند؛ اینجا جنسیت نقش دارد. اینکه کشورهای غربی و فمینیست ها شعار «برابری مطلق جنسیتی» میدهند، امری غلط است. برابری جنسیتی در همه جا معتبر نیست؛ آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. ساخت روحی زن، ساخت جسمی زن، ساخت عواطفی زن، اقتضای فعالیت هایی چون فرزندآوری، فرزندداری و دامن پرورش فرزند را می نماید اما برای مردان این کارها اساساً به لحاظ فیزیک بدنی و شرایط روحی برنمی آید. کار بیرون خانه، کار برای رفع مشکلات خانه و خانواده از اموری است که در حیطه مردان قرار می گیرد. اما بر اساس معارف اسلامی هم زن و هم مرد در حقوق خانوادگی یکسان هستند. (یادداشت ۱)



۳- زن و حقوق مدنی

هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان، این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. این ها بیانات اسلام و مسلمانات اسلام است. خداوند متعال می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» (و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند!) (سوره مبارکه روم/ ۲۱)

برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را که از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه ای نیستند، در دو رتبه ای جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. قرار داد. بعد می فرماید: «لتسکنوا الیها». یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده، مرد در کنار زن، زن در کنار مرد، آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله ای آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند تکیه گاه مستحکمی باشد، یک خوشبختی است؛ مایه آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است. «لتسکنوا الیها» یعنی هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله ای بعدی بسیار جالب و زیاست. می فرماید: «و جعل بینکم مودّة و رحمة» رابطه ای درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه ای دوستی، رابطه ای مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدارند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست.

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه ای فیما بین به وجود می آورد که آن رابطه، رابطه ای عشق و مهربانی است: «مودّة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه ای اسلامی با او مقابله کند.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى النَّاسِ أَرَأَفُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَهُ عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (خدای بزرگ، به زنان مهربان تر از مردان است و هیچ مردی، زنی از محارم خود را خوشحال نمی کند، مگر آن که خداوند متعال او را در قیامت شاد می کند.) (کلینی/ (۱۳۹۳ ش) ج ۱/ ص ۶، ح ۷)

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی دیگر در ارتباط با جایگاه زنان می فرماید:



ICPSE
2025

«مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُحْفَةً، فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ، كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاجِبٍ، وَ لَيَبْدَأُ بِالْإِنَائِثِ قَبْلَ الذُّكُورِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ أَنْثَى فَكَأَنَّمَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعِينَ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ.» (هر کس به بازار رود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می برد. [و هنگامی که هدیه را به خانه می برد]، باید، قبل از پسران، به دختران بدهد، زیرا کسی که دخترش را شادمان کند، مانند کسی است که یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است. و هر کس [با دادن هدیه ای] چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریسته است و هر کس از ترس خدا بگرید، خداوند او را داخل نعمت های بهشت کند.) (حرعاملی/ (۱۳۷۲ش) / ج ۱۵، ص ۲۲۷؛ صدوق/ (۱۳۹۳ش) / ص ۲۳۹ / ح ۱)

پیامبر اکرم (ص) به عنوان رهبر جامعه اسلامی، با گفتار و رفتارش با همسر و فرزندش زهرا (س) همواره سعی می فرمودند که الگویی مناسب برای رفتار با بانوان در جامعه اسلامی به اجرا بگذارند. ایشان در حدیث دیگری می فرمایند: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا.» (یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید.) (مجلسی/ (۱۳۸۶ش) / ج ۳۳، ص ۶۲۸، ح ۷۴۴) یا در جای دیگر فرموده اند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدٍ هَذَا.» (در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در مسجد من، محبوبتر است.) (حلی/ (۱۳۶۸ش) / ج ۲ / ص ۱۲۲) در این راستا؛ امام رضا (ع) به نقل از از امیر المؤمنین (ع) می فرمایند: «خَيْرُ نِسَائِكُمْ، أَلْحَمْسُ. قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَمَا أَلْحَمْسُ؟ قَالَ: أَلْهَيْئَةُ، اللَّيْنَةُ، الْمُوَاتِيَةُ، الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغَمَضٍ حَتَّى يَرْضَى، وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبَتِهِ، فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنَ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَخِيبُ.» (بهترین زنان شما دارای پنج صفت هستند. گفته شد: ای امیر مؤمنان! آن پنج صفت کدام است؟ فرمود: سبکبار و کم صدق، نرم خو و خوش رفتار، مطیع و موافق، آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد. و در غیاب شوهرش حافظ او باشد. چنین زنی، کارگزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خداوند نیز دچار ناکامی و خسران نخواهد شد.) (کلینی/ (۱۳۹۳ش) / ج ۵ / ص ۳۲۵)

امام صادق (ع) نیز در قبال تکریم مقام و جایگاه زنان در دین مبین اسلام و جامعه اسلامی اشارات مهمی داشته اند. ایشان در حدیثی در همین رابطه می فرمایند: «خمس خصال من فقد واحدة منهن لم يزل ناقص العيش، زائل العقل، مشغول القلب. فاولها: صحة البدن والثانية: الامن. والثالثة: السعة في الرزق. والرابعة: الانيس الموافق قلت الراوى: وما الانيس الموافق؟ قال: الزوجة الصالحة والولد الصالح والخليط الصالح. والخامسة: وهي تجمع هذه الخصال: الدعاء» (پنج خصلت است که اگر کسی یکی از آنها را نداشته باشد، دائما دچار نقص در زندگی، تشویش خاطر و دل مشغولی خواهد بود: ۱- تندرستی ۲- امنیت ۳- گشادگی در روزی ۴- مونس موافق، راوی می گوید: گفتم: مونس موافق کیست؟ فرمود: همسر صالحه، فرزند صالح و دوست صالح. ۵- نرمی و ملایمت [در اخلاق] که در برگیرنده همه این صفات است.) (صدوق/ (۱۳۸۲ش) / ص ۲۸۴)

۳/۱- حق تحصیل و آموزش و مشارکت در امور اجتماعی

قرآن کریم زنان را به مشارکت فعال در امور اجتماعی تشویق می کند. در آیه ۲۱ سوره توبه آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»



این آیه بیانگر اهمیت مشارکت زنان و مردان در امور اجتماعی و دینی است. اسلام فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان را منعی نکرده است. در برخی روایات و آیات، به طور عمومی از زنان و مردان خواسته شده است، در طلب علم کوشا باشند و منعی از تحصیل بانوان نیز وجود ندارد. تاریخ اسلامی گواه آن است که زنان بسیاری در رشته های مختلف کلام، فقه، حدیث و تفسیر فعالیت علمی داشته اند.

بر اساس آموزه های اسلام، هیچ برتری برای مردان نسبت به زنان در مسئله آموزش وجود ندارد. با توجه به اینکه رسول خدا (ص) به علم آموزی زنان و مردان اهتمام داشت، دستوراتی مبنی بر تدریس به کنیزان نیز داده بود. به گزارش منابع اسلامی، در زمان درگذشت پیامبر گرامی اسلام (ص)، عالمان زن بسیاری وجود داشتند. بلاذری از میان زنان مسلمان صدر اسلام به ام کلثوم بنت عقبه، عایشه بنت سعد، کریمه بنت مقداد، و ام ورقه بنت عبدالله بن حارث اشاره می کند که خواندن و نوشتن می دانستند.

پیامبر (ص) نیز در روایاتی به علم آموزی زنان تأکید یا از آن تقدیر می کردند. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که او زنان انصار را به جهت پرسش هایشان می ستاید و به جهت آنکه شرمشان مانع از پرسش هایشان نمی شود، تقدیر می کند. بر اساس گزارشی در صحیح بخاری، پیامبر اسلام (ص) روزی را مخصوص تعلیم زنان از تعالیم اسلامی اختصاص داده بود. (سامانی/ (۱۳۹۰ ش) /ص ۶۰-۶۲) پیامبر گرامی اسلام (ص) در رابطه با علم آموزی مردان و زنان فرموده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.» (تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.) (حلی/ (۱۳۶۸ ش) /ج ۲/ ح ۱۷۶). پیامبر اعظم (ص) در مقابل آموزش لیلی بنت عبدالله به همسرش حفصه، به او یک خانه عطا کرد و به همسرش حفصه دستور داد تا به دیگر همسرانش نیز سواد بیاموزد. در روایت دیگری، پیامبر (ص) از یکی از معلمان به نام شفا می خواهد تا به همسرش، خط بیاموزد. همچنین از شاگردی فاضله، اسماء و رقیه نزد حضرت فاطمه زهرا (س) گزارش هایی وجود دارد. آموزگاری زنان، محدود به شاگردان زن نبود و در منابعی از حضور مردان نزد زنان و سؤال و جواب هایی نیز یاد شده است. (سامانی/ (۱۳۹۰ ش) /ص ۶۴-۶۵)

زنان مسلمان علاوه بر حوزه تحصیل و تدریس در موضوع خواندن و نوشتن، به استماع و نقل حدیث نیز مشغول بوده اند. بر اساس روایات اسلامی، زنانی در صدر اسلام، در نقل و حدیث «متن قرآن» نیز نقش داشته اند. زنان در این دوره، به آموختن قرآن و قرائت آن مشغول بودند کما اینکه ۶۸ زن حدیث شناس مسلمان را گزارش کرده اند که نقل روایت داشته اند. برخی نیز زنان دانشمند و راوی حدیث را ۱۵۰ نفر می دانند که در سده نخست هجری زندگی می کردند. بنابر گزارش های متعددی، فاطمه زهرا (س) بیش از ۱۸ تا ۲۱۳ روایت از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کرده است. بنابر گزارش هایی اسماء بنت یزید بن سکن از پیامبر گرامی اسلام (ص) بیش از ۸۰ روایت؛ ام سلمه بیش از ۳۷۸ روایت و عایشه نیز روایات بسیاری را از پیامبر (ص) نقل کرده اند. (سامانی/ (۱۳۹۰ ش) /ص ۶۷-۶۵).

نفیسه دختر امام علی بن ابی طالب (ع) نیز از دیگر زنان صدر اسلام بوده است که به عنوان فقیه و متکلم از او یاد شده است. ابن سعد در این خصوص برای پیامبر گرامی اسلام (ص)، ۵۲۹ صحابه زن گزارش می کند که ۹۴ نفر از آنها راوی حدیث بوده اند. صحابیات پیامبر (ص)، از بابت نزدیکی به پیامبر اسلام (ص) و استماع حدیث برای مسلمانان اهمیت دارند. (Jawad, The Rights of Women in Islam, ۲۲)

در دوره های مختلف خلافت خلفای اسلامی اعم از اموی، عباسی و عثمانی، روند تحصیل زنان دچار دگرگونی شد و رشد علمی آنان افول پیدا کرد تا اینکه در دویست سال اخیر، تلاش هایی در جهان اسلام برای ارتقاء جایگاه زنان صورت پذیرفت. با وجود جهش هایی در دهه های اخیر، اما در منطقه خاورمیانه همچنان فرصت تحصیل زنان به مراتب از مردان عقب تر توصیف شده است. نگاه سلفیت



ICPSE
2025

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - ۱۶ کادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

نسبت به تحصیل زنان مسلمان، این قشر عظیم جامعه بشری را مهجور نموده و علاوه بر آن، سلفی های جهادی اعم از داعش و القاعده به طور کلی با تحصیل زنان مخالف بوده و آن را بی عفتی می دانند. (ایمانی و احمدوند/ ۱۴۰۰ش/ ص ۱۷۹ و ۱۸۴) در جهش علمی زنان در جوامع مسلمان، در کشورهایی چون مصر و ایران با رشد بیشتری همراه بوده است و در کشورهایی چون افغانستان در سطره طالبان، رشد کمتری داشته است. امروزه زنان مسلمان در مدارس تخصصی دینی تحصیلات عالیه داشته و به درجات بالای علمی دست می یابند و برخی از آنها حتی به درجه افتاء دست می یابند. (شمسینی غیاثوند و نجفی/ ۱۳۹۵ش). از آنجا که اسلام یک جنبش فرهنگی محسوب می شد، نقش زنان از حیث فرهنگی در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه نیز قابل توجه و بررسی است. (سامانی/ ۱۳۹۰ش/ ص ۶۰) از مسائل مورد توجه هنرمندان مسلمان، به تصویر کشیدن شخصیت های قرآنی است. در این خصوص، تصاویری از زنانی که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته اند، مورد بررسی هایی قرار گرفته است. تصاویری چون حوا همسر حضرت آدم (ع)، زلیخا همسر عزیز مصر، حضرت مریم (س) مادر حضرت مسیح (ع) و پیکرنگاری ها از زنان در عصر هنر اسلامی که به اوایل قرن دوم هجری بر می گردد و در کاخ های خلفا برای تزیین صورت می گرفت، از جمله موضوعات هنری در خصوص زنان به شمار رفته و بیشتر در شام و عراق مرسوم بوده است. تصاویر زنان معمولاً به صورت اسطوره ای و نمادین با بیانی پاک و قابل احترام نگارگری شده اند. (شادقزوینی/ ۱۳۹۱ش/ فرهنگ و هنر)

متون دینی و ادبی در صدر اسلام، بهترین منابع برای شناخت جایگاه زنان در عصر صدر اسلام هستند. همچنین اشعار جاهلی، بیشترین سهم را در شناخت فرهنگ حاکم بر عصر جاهلیت پیش از اسلام را داراست و برخی گزاره های تاریخی پراکنده و آیاتی از قرآن، دیگر منابع در دسترس برای شناخت عصر جاهلیت به حساب می آیند. (پروین و دیگران/ ۱۴۰۰ش/ قرآن و حدیث). از میان منابع اولیه که به زندگی زنان صدر اسلام پرداخته است، می توان به کتاب های طبقات ابن سعد و الاصابه ابن حجر اشاره کرد. پس از آن در دوره های مختلف به شرح حال زنان در هر عصر پرداخته شده است. عبدالحلیم محمد ابوشقه، در کتابی با عنوان تحریر المرأة فی عصر الرساله به وضعیت زنان در صدر اسلام پرداخته است و به صورت مفصل، به شرح احوالات زنان در آن دوره پرداخته است. (بستان/ ۱۳۸۳ش/ دانشنامه جهان اسلام). از تحقیقاتی که حضور زنان در فعالیت هایشان در صدر اسلام را موضوع تحقیق خود قرار داده اند می توان به اثرات نقش زنان در جنگ های پیامبر اسلام (ص) تا خلفای راشدین اثری از فاطمه خدامیان، تأثیر تعارض سنن جاهلی و آموزه های دینی بر فعالیت های سیاسی زنان در دوران بنی امیه و عصر اول بنی عباس اثر آریتا رضوی، جایگاه اجتماعی زنان از منظر قرآن اثر سودابه اکبری، کتاب نقش زن در جنگ های صدر اسلام اثر بتول دهخوارقانی و کتاب زن، دین، سیاست اثر زهرا آیت اللهی اشاره کرد. احمد حیدری نیز در کتابی با عنوان بزرگ زنان صدر اسلام به مقایسه جایگاه اجتماعی زنان قبل از اسلام و پس از آن پرداخته است. (ضابطی و رشاد/ ۱۳۹۹ش/ پژوهش اجتماعی).

با شروع سازوکارهایی در قرن نوزدهم میلادی، برای نوین سازی چهره زنان مسلمان، متفکران و متلکمان مسلمان در پاسخ به دیدگاهی که اسلام را عامل مظلومیت و عقب ماندگی زن مسلمان می دانست، دست به تألیف آثار متنوعی زدند. در این میان کسانی چون قاسم امین مصری و نظیره زین الدین سعی کردند تا به نقد دیدگاه های سنتی و اسلامی بروند و در خلال آن به طرح رویکردهای نوین و غالباً با الهام از آموزه های جریان فمینیسم، سنت اسلامی را به گونه ای تفسیر و تاویل کنند. در مقابل کسانی چون محمد عبده، علامه محمدحسین طباطبایی (ره)، سید قطب و استاد شهید مرتضی مطهری (ره) سعی کردند در آثارشان، حقوق بنیادین زن در اسلام را ضمن دفاع از احکام اسلامی و با نقد دیدگاه های جدید درباره حقوق زن، تشریح کردند. (بستان/ ۱۳۸۳ش/ دانشنامه جهان اسلام).

در سی سال گذشته، آثار و تحقیقات متعددی با موضوع نقش زنان در جامعه اسلامی صورت گرفته است. بخش مهمی از احکام کتب فقهی، در موضوع حقوق زنان تدوین شده است، با این وجود، فقیهان مسلمان آثاری را به صورت مستقل با این موضوع تدوین کرده اند. کتاب النساء اثر جعفر بن محمد قولویه، احکام النساء اثر شیخ مفید و احکام النساء ابن جوزی، از این دست آثار هستند. (بستان/ (۱۳۸۳ش)/ دانشنامه جهان اسلام).

۳/۲- حق اشتغال

مطابق قرآن، زن و مرد هر دو از موقعیت اقتصادی مستقل برخوردارند. و مالک تمام درآمد خود هستند. بنابراین زنان در خرید و فروش، رهن، اجاره، قرض و عقد قرارداد، تأسیس شرکت و کلیه امور مالی آزادند. (شمسینی غیاثوند و نجفی/ (۱۳۹۵ش)/ مطالعات سیاسی جهان اسلام) پس از ظهور اسلام، زنان مناصب اقتصادی نیز دریافت می کردند. بر اساس گزارش ها، پیامبر گرامی اسلام (ص)، سمراء بنت نهیک الاسدیه را به امور مالی مکه منصوب کرد و او در مواردی متخلفان بازار مکه را تأدیب می کرد. (علویان، حسینی و اکبری/ (۱۳۹۶ش)/ مطالعات راهبردی زنان).

به طور کلی و بر اساس آموزه های اسلام، زنان می توانند صاحب شغل باشند اما تا جایی که این شغل باعث نادیده گرفتن وظایف آنها در خانه نباشد یا به حیثیت او آسیب نزنند. در این باره زنان در مواردی از پیامبر گرامی اسلام (ص) کسب تکلیف در خصوص شغل ها و شیوه اداره کسب و کارهایشان می نمودند. در طبقات الکبری (اثر محمد بن سعد (متوفای ۲۳۰ق)، نسب شناس و سیره نویس معروف قرن دوم و سوم هجری) از زنی به نام قیله انماریه یاد شده است که از شیوه چانه زنی در معامله از پیامبر اسلام (ص) سوالاتی می پرسد. در خصوص تجارت زنان در عربستان صدر اسلام آورده اند که زنان به شغل هایی چون ریسندگی، خیاطی، زنبیل بافی، کشاورزی، آرایشگری، چوپانی، بازرگانی، طبابت، پرستاری و خدمتکاری مشغول بودند. در روایتی از اسد الغابه، به خرید عطر توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) از زنی به نام ملیکه یاد شده است. علت غزوه بنی قینقاع نیز توهین به یک زن مسلمان دست فروش در بازار مدینه عنوان شده است. در روایت نقل شده دیگری از سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است که وی به زنان جوان اجازه می دهد تا برای تأمین مایحتاج خود، پس از مراسم عید فطر و قربان، بساط کنند. (سامانی/ (۱۳۹۰ش)/ ص ۵۲-۵۷).

از سوی دیگر بر اساس آموزه های قرآنی، زنان نسبت به مردان، از استقلال مالی بیشتری برخوردار هستند و با وجود آنکه مردان باید هزینه های زندگی را تأمین کنند، زنان می توانند آزادانه ثروت خود را خرج نمایند. با این وجود، مشکلاتی چون دستمزد نابرابر، بی اعتمادی به کارفرمایان مرد، کمبود امکانات نگهداری از کودکان، امتناع شوهر از سهم شدن در امور خانه و سرزنش های عمومی در مورد کار زنان از معضلات زنان شاغل در جامعه های مسلمان است. امام علی (ع) در باره اشتغال زنان می فرمایند:

«...وَلَا تُمْلِكِ الْمَرْأَةُ أَمْرَهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ...» (...کاری که در توان زن نیست به او مسپار زیرا او چون گلی است (ظریف و آسیب پذیر) نه قهرمان...) (نهج البلاغه/ (۱۳۷۴ش)/ ص ۴۰۵، نامه ۳۱)

۳/۳- حق نفقه

احکام مربوط به حقوق زنان، در ابواب مختلف کتب فقهی عالمان مسلمان قرار گرفته است. دسته ای از این احکام که ناظر بر حقوق زن در خانواده می باشد، در ابوابی چون حضانت، مهریه و نفقه مطرح شده است و آن دسته از حقوق که ناظر بر زندگی فردی زن می باشد، در ابوابی چون ارث و مالکیت مطرح شده است. در میان این احکام، برخی احکام اسلامی بین زنان و مردان متفاوت وضع شده اند.



ICPSE
2025

متفکران اسلامی، دلیل عمومی این تفاوت ها در حقوق را به سبب تفاوت های غریزی و طبیعی اعم از مسائل روانی و جسمی میان زن و مرد می دانند. بر این اساس، وجود غرایز متفاوت، سبب شده است تا هر یک از دو جنس زن و مرد، در اموری وظایفی بیشتر یا انحصاری داشته باشد. این گروه معتقدند که نقش اسلام در ایجاد برابری و تعادل میان زن و مرد با توجه به حقوق بنیادین آنها، صورت گرفته است و یکسان و برابر بودن حقوق زن و مرد را خلاف عدالت می دانند و عمل کردن طبق اقتضائات تفاوت های واقعی را تبعیض نمی دانند. (بستان / (۱۳۸۳ش) / دانشنامه جهان اسلام). به نوشته آیت الله هاشمی شاهرودی (ره)، بر اساس قاعده اشتراک که از قواعد فقهی است، دستورهای اسلام مشمول زن و مرد می شود و تنها در مواردی که یک حکم به خصوص به زن یا مرد اختصاص یافته باشد، از دیگری معاف شده است. (هاشمی شاهرودی / (۱۳۸۷ش) / ج ۴ / ص ۲۸۶)

از دیدگاه اسلام، تأمین هزینه های زندگی زناشویی برعهده مرد است و بر مرد لازم است تا هزینه های زندگی را که اصطلاحاً «نفقه» نام دارد، به زن بپردازد. حق نفقه مادامی که بر زوجه، حکم ناشزه، زنی که حقوق ناشی از ازدواج را نسبت به شوهر رعایت نکند، بر زن صادق نباشد، لازم الپرداخت است. اصطلاح نفقه، یک واژه عرفی است و میزان آن نیز بر طبق عرف، مکان و زمان معین می شود. بر اساس فقه اسلامی، زن مالک نفقه است و شوهر نمی تواند مبلغ نفقه را از او بازپس بگیرد. بر اساس قوانین حقوقی در اسلام، زنانی که به واسطه شرایط بد محل زندگی، بیماری خود یا بیماری شوهر، از شوهر خود تمکین نمی کنند ناشزه شناخته نمی شوند و نفقه به آنها تعلق می گیرد. نفقه اعم از هزینه خوراک، پوشاک و اثاث منزل است تا جایی که نیازهای همسر با توجه به توانایی شوهر برطرف گردد. از قوانین حقوقی اسلام، امکان طلب نفقه معوقه است که بر این اساس زن می تواند نفقه های گذشته که از جانب شوهر پرداخت نشده است را مطالبه نماید. زن می تواند نفقه خود را به صورت نقدی و روزانه دریافت کرده یا آنکه به واسطه زندگی در خانه مرد و استفاده از طعام و سایر امتیازات زندگی عرفی در آنجا، جایگزین نفقه بهره ببرد. (تقوی پور، اسماعیلی و صلواتیان / (۱۳۹۶ش) / زنان و خانواده)

۳/۴- حق مهریه

اسلام به عنوان یک دین، ازدواج را امری مهم تلقی می کند و به آن توصیه کرده است. در قوانین اسلامی، طلاق منفور است و موجب ناراحتی خدا توصیف شده است. ازدواج در اسلام با شرط عقل، بلوغ و اختیار صورت می گیرد. البته در صورت باکره بودن زن (و در صورت زنده بودن پدر یا پدر بزرگ) اذن پدر هم شرط است. (اجازه پدر تنها برای زن شرط است) پس از ازدواج، بار مالی خانواده بر عهده مرد است. در امر ازدواج، از مرد توقع می رود تا مالی را به عنوان هدیه که از آن در اصطلاح اسلامی به عنوان مهریه یاد می شود، به زن بپردازد. این مال متعلق به شخص زن است و والدین او جز هنگام مرگش حق تصرف در آن را ندارند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا.» (ومهریه زنان را به عنوان هدیه ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم داشت و منت گذاری] به خودشان بدهید؛ و اگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا بخورید.) (سوره مبارکه نساء / ۴)

و در جای دیگر می فرماید:



«وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا.» (و اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید و به همسر پیشین مال فراوانی [به عنوان مهریه] پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا آن را با تکیه به تهمت و گناهی آشکار پس می گیرید؟!)(سوره مبارکه نساء / ۲۰)

همچنین در همین رابطه در آیه ای دیگر آمده است:

«وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنِ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا.» (و چگونه آن را پس می گیرید در حالی که [با آمیزش جسمی، تماس روحی و معاشرت] به یکدیگر رسیده اید، و آنان از شما [به وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته اند.) (سوره مبارکه نساء / ۲۱)

پس از ازدواج نیز زن همچنان استقلال مالی قبل از ازدواج خود را داراست و می تواند فعالیت های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی خود را بعد از ازدواج با قید شرایطی انجام دهد. همین طور در زندگی زناشویی زنان، به اهمیت جایگاه مادرانه تأکید شده است. حق اولاد دار شدن در زندگی مشترک با زن است و مرد در صورت تخطی از خواسته همسر در مورد بچه دار شدن، ملزم به پرداخت دیه نطفه می شود. حق حضانت و قیومیت در زندگی، به مردان محول شده است. همین طور حق طلاق نیز از حقوق مردان است و زنان در مواردی می توانند درخواست طلاق خود را به دادگاه ها و محاکم شرعی ارائه کنند.

زنان در هنگام ازدواج، از حق دریافت مهریه برخوردار هستند. هرچند بخشیدن بخش یا تمام مهریه به شوهر نیز از اختیارات زن در احکام شرعی تلقی شده است. در پیمان زناشویی، از مرد انتظار می رود هدیه ای را با عنوان مهریه به زن ببخشد و حتی پس از طلاق نیز به ملکیت زن در می آید. این واژه در قرآن با عبارت «صداق» به کار رفته است. (توجهی و ملک شاه/ (۱۳۹۲ش)) پژوهش نامه زنان) مهریه در اسلام یکی از نشانه های صداقت مرد در علاقه مندی به همسر است و عاملی برای تحکیم خانواده است. (تقوی پور، اسماعیلی و صلواتیان/ (۱۳۹۶ش)) زنان و خانواده) در مورد میزان مهریه در منابع اسلامی سخنی به میان نیامده است و مبلغ مهریه با توافق دو طرف تعیین می گردد؛ هرچند این شریعت اسلام، این توصیه شده است که مهریه خیلی کم یا خیلی زیاد نباشد. بر اساس روایاتی در منابع اسلامی، مهریه کم مستحب و مهریه زیاد کراهت دارد. (توجهی و ملک شاه/ (۱۳۹۲ش)) پژوهش نامه زنان) بر اساس دیدگاه شیعی، مهریه شرط تحقق ازدواج دائم نیست و تنها در ازدواج موقت، شرط تحقق عقد قرار گرفته است. (هاشمی شاهرودی/ (۱۳۸۷ش)) ج ۱/ ص ۳۹۴) با این وجود برخی مذاهب اسلامی، مهریه را شرط تحقق عقد می دانند. در قوانین اسلامی آمده است که پس از طلاق، اگر زن مدخوله باشد، تمام مهریه و اگر غیر مدخوله باشد نصف مهریه را مالک خواهد شد. بر اساس آموزه های اسلام، مهریه به زن تعلق دارد و پدر و مادر عروس بهره ای از آن نخواهند برد. یکی از حقوقی که در زمینه ازدواج به زنان داده شده است، حق مشهور به حق حبس است که بر اساس آن، زن می تواند تا پیش از پرداخت کامل مهریه اش، از وظایف زناشویی خود امتناع بورزد. همچنین تهیه جهیزه و مایحتاج زندگی، از لحاظ حقوقی برعهده مرد است. همچنان از لحاظ حقوقی، زن می تواند برای انجام امور خانه در منزل شوهر، از همسرش هزینه و اجرت دریافت کند. حتی زن می تواند برای عمل شیر دادن به فرزندش، از شوهر تقاضای اجرت کند. (فقیه و خادم جهرمی/ (۱۳۹۸ش)) زن و جامعه)

نتیجه

زن و مرد در پیشگاه خداوند متعال از نگاه نوعیت، جایگاه یکسانی دارند اما از نظر جنسیت و به لحاظ شرایط فیزیکی دارای تفاوت هایی برای کارکردهای متفاوت هستند که این تفاوت ها در راستای تکامل نوع بشر و نیازهای آنان و تداوم چرخه حیات آن می باشد. بنابراین در نگاه اسلام، وقتی در ماهیت و نوعیت انسان اعم از مرد یا زن صحبت می شود، به طور کلی جنسیت نادیده گرفته می شود. چرا که در این قسم از بحث، صحبت از زن و مرد نیست، بلکه مسئله ای به نام نوعیت و کرامت انسان طرح می شود.

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه ای فیما بین به وجود می آورد که آن رابطه، رابطه ی عشق و مهربانی است: «موده و رحمه». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استعمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه ی اسلامی با او مقابله کند.

اسلام فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان را منعی نکرده است. در برخی روایات و آیات، به طور عمومی از زنان و مردان خواسته شده است، در طلب علم کوشا باشند و منعی از تحصیل بانوان نیز وجود ندارد. تاریخ اسلامی گواه آن است که زنان بسیاری در رشته های مختلف کلام، فقه، حدیث و تفسیر فعالیت علمی داشته اند.

بر اساس آموزه های اسلام، هیچ برتری برای مردان نسبت به زنان در مسئله آموزش وجود ندارد. با توجه به اینکه رسول خدا (ص) به علم آموزی زنان و مردان اهتمام داشت، دستوراتی مبنی بر تدریس به کنیزان نیز داده بود. به گزارش منابع اسلامی، در زمان درگذشت پیامبر گرامی اسلام (ص)، عالمان زن بسیاری وجود داشتند.

مطابق قرآن، زن و مرد هر دو از موقعیت اقتصادی مستقل برخوردارند. و مالک تمام درآمد خود هستند. بنابراین زنان در خرید و فروش، رهن، اجاره، قرض و عقد قرارداد، تأسیس شرکت و کلیه امور مالی آزادند. پس از ظهور اسلام، زنان مناصب اقتصادی نیز دریافت می کردند.

از دیدگاه اسلام، تأمین هزینه های زندگی زناشویی برعهده مرد است و بر مرد لازم است تا هزینه های زندگی را که اصطلاحاً نفقه نام دارد، به زن بپردازد. حق نفقه مادامی که بر زوجه، حکم ناشزه، زنی که حقوق ناشی از ازدواج را نسبت به شوهر رعایت نکند، بر زن صادق نباشد، لازم الپرداخت است. اصطلاح نفقه، یک واژه عرفی است و میزان آن نیز بر طبق عرف، مکان و زمان معین می شود.

زنان در هنگام ازدواج، از حق دریافت مهریه برخوردار هستند. هرچند بخشیدن بخش یا تمام مهریه به شوهر نیز از اختیارات زن در احکام شرعی تلقی شده است. در پیمان زناشویی، از مرد انتظار می رود هدیه ای را با عنوان مهریه به زن ببخشد و حتی پس از طلاق نیز به ملکیت زن در می آید. این واژه در قرآن با عبارت «صداق» به کار رفته است. مهریه در اسلام یکی از نشانه های صداقت مرد در علاقه مندی به همسر است و عاملی برای تحکیم خانواده است.

منابع

-قرآن کریم.

-امام علی بن ابی طالب (ع)، نهج البلاغه، (۱۳۷۴ش)، گردآوری صبحی صالح، نشر: مرکز البحوث الاسلامیه، قم.

-ایمانی، علی؛ احمدوند، ولی محمد (بهار ۱۴۰۰ش)، «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان های سلفی معاصر»، اندیشه نوین دینی، قم.

- بستان، حسین، (۱۳۸۳ش)، «حقوق زنان»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۳، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی <https://rch.ac.ir>.
- پروین، جلیل؛ نوری خسروشاهی، پریا؛ مهدوی راد، محمدعلی؛ صفری، علی، (۱۴۰۰ش)، «مطالعه تطبیقی طلاق در فرهنگ جاهلیت و قرآن با تکیه بر بسترهای معرفتی»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، تهران.
- تقوی پور، محمدرضا؛ اسماعیلی، محسن؛ صلواتیان، سیاوش، (۱۳۹۶ش) «الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی»، زنان و خانواده، تهران.
- توجهی، عبدالعلی؛ ملکشا، آرزو، (۱۳۹۲ش)، «جایگاه مهریه سنگین در آموزه های دینی، آرای فقها و حقوق موضوعه»، پژوهش نامه زنان، تهران.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۶۹ش)؛ زن در آینه ی جلال و جمال، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۲ش)، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محقق: شعرانی، ابوالحسن؛ شریف رازی، محمد؛ ربانی شیرازی، عبدالرحیم، ناشر: اسلامیه، ج ۱۴، ۱۵ و ۲۰، تهران، ایران.
- حلی، ورام ابن ابی فراس، (۱۳۶۸ش)، تنبیه الخواطر ونزهره النواظر المعروف بمجموعه ورام عربی، ج ۲، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- سامانی، محمود (۱۳۹۰ش)، نقش زنان در تاریخ اسلام، تهران، نشر مشعر.
- شادقزوینی، پریسا (۱۳۹۱ش)، «بررسی هویت زنان در نقوش آثار هنری سده های آغازین اسلام»، زن در فرهنگ و هنر، تهران.
- شمسینی غیاثوند، حسن؛ نجفی، خورشید (۱۳۹۵ش)، «واکاوی مشارکت سیاسی زنان در جهان اسلام؛ با تأکید بر کشور مصر»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین.
- صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، (۱۳۸۲ش)، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، ج ۱، نشر نسیم کوثر، قم.
- (۱۳۹۳ش)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ناشر: شمیم کوثر، چاپ ۱۴.
- ضابطی، اکبر؛ رشاد، معصومه (۱۳۹۹ش)، «رویکرد جامعه شناختی به سیاست زنان در صدر اسلام»، پژوهش اجتماعی، رودهن.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۳۸ش)، تفسیر مجمع البیان، تصحیح و تعلیق ابوالحسن شعرانی، نشر مکتبه العلمیه، تهران، چاپ ۱.
- علویان، مرتضی؛ حسینی، زینب سادات؛ اکبری، زهرا، (۱۳۹۶ش)، «حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام (بررسی پیشینه و مبانی)»، مطالعات راهبردی زنان، تهران.
- فقیه، صدیقه؛ خادم جهرمی، حامده، (۱۳۹۸ش)، «حقوق ممتازة جامعه زنان نسبت به مردان، در فقه اسلام و حقوق ایران»، زن و جامعه، مرودشت.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۹۳ش)، اصول کافی، ج ۵، ناشر: دار الثقلمین، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۳۸۶ش)، بحار الانوار، ج ۳۳، ناشر: الاسلامیه، چاپ ۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲ش)، تفسیر نمونه، ج ۲ و ۳۷، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۷ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

یادداشت ۱- برای مطالعه بیشتر در باره موضوع ماهیت خلقت و جنسیت زن و مرد، به مقاله «نقش و جایگاه زن در هندسه نظام آفرینش و تعالی جامعه - بررسی موضوعی از دیدگاه قرآن و روایات و نگاه اندیشمندان مسلمان - بخش الف - حقوق اساسی نوشته قدسیه سادات هاشمی دولابی و عباس رجائی مراجعه نمایید.

The role and status of women in the system of existence and the advancement of society
(A study of the subject from the perspective of the Quran and narrations and the views of Muslim thinkers)
(Part B - Civil and Social Rights)

Ghodsieh Sadat Hashemi Doulabi
Professor, Islamic Azad University of Varamin-Pishva
hashemigh@iau.ir
Abbas Rajaei
CEO of the Rajaei Martyrs Scientific, Cultural and Social Foundation
barajaei39@gmail.com

Abstract

In creating man, God created men and women equally so that they could achieve happiness and perfection by their own free will, and achieving perfection also takes place in both individual and social spheres. By delineating the role of women, God has placed them alongside men and has given them duties that sometimes He has also assigned to men. God Almighty has placed believing women on a par with believing men to show that the task of reviving religion is the duty of all human beings, and He has placed this moral duty on believing men and women, and this means being at the forefront of society's issues and expressing themselves in human society to control and bring health to the cycle of people's life system based on divine religion. The Quran commands that there should always be a community of men and women among Muslims who invite people to goodness and forbid them from evil.

The Holy Quran has mentioned the greatness of the status of knowledge and education and has given a high status in this world and the hereafter to those who enjoy this blessing. In this regard, what is central is the human person and has made no distinction between men and women in the pursuit of knowledge. Rather, it has considered education and learning obligatory for everyone, regardless of gender. For these reasons and other assumptions, in the view of Muslim thinkers, especially those of the recent era, women have been viewed as noble human beings who build civilization and educate a cultured generation. This view of women progresses to the point where the goodness and corruption of a society is seen as the goodness and corruption of women in that society, and women rise to the point where they become the embodiment of the fulfillment of human aspirations.

In this article, we attempt to examine the views of Muslim thinkers regarding the position of women in the system and geometry of the creation system and their role in the advancement of society, using descriptive and analytical methods and utilizing verses from the Quran and narrations.

Keywords: Women, civil rights, social rights, economic rights, alimony, societal advancement